

## اهمیت نقش زن در اجتماع و خانواده

از آغاز ازمنه در محیط خانواده اغلب زن در خانه میماند و مرد برای کسب معاش و روزی همسر و کودکانش از منزل بیرون میرود - این تقسیم کار بر حسب قوانین طبیعت و متناسب با ساختمان بدنی برقرار شده است .

رفته رفته جامعه دارای سازمان و تشکیلات میشود و در تمام قلمروهای مادی و فکری توسعه مییابد ، مرد عامل تکامل و ترقی با پیشرفت و توسعه جامعه پیش میرود. آیا زن بایستی عقب بماند و از ثمره درخت دانش چـون او محظوظ و متمتع نگردد؟ ما معترفیم که نه تنها حق استفاده از آن را دارد بلکه از لحاظ اینکه بالاخره مانند مرد يك فرد انسانی است دارای حساسیت و هوش و فراست کامل ، بدان موظف و مکلف میباشد .

مرد قبل از همه چیز بمعنای اعم فرزند زن است : اوست که بوی زندگی میبخشد و شیرش میدهد و قدمهای اولیه اش را راهنمایی میکند و او را در شناسائی عالم خارج هدایت و رهبری مینماید. کودک ابتدا با احساسات زندگی میکند که با متاثر ساختن فکر و روحش حس زیبایی را در او بیدار میسازند ولی مگر میتواند از میان تمام آنچه که بوسیله حواس درك شده اند بهتر و برترش را تشخیص دهد و بالاخره لیاقت کسب ذوق زیبایی را بپندارد؟ مگر وظیفه مادر نیست که او را با این رموز آشنا سازد؟ زیبایی اشیاء، زیبایی روح .... چشمها از مناظر خشن منصرف میگردند و روح از برخورد با احساسات مبتذل و عامیانه و عملیات پست آزرده ورنجیده میشود . بدین ترتیب روح کودک از تصور زیبایی خارجی بتصور زیبایی داخلی و بالاخره تصور نیکی و بدی ارتقاء مییابد . همچنانکه مادر توانسته است این روح کوچک را با اشیاء قشنگ و زیبا آشنائی دهد خواهد توانست او را با فکر عالی رهبری نماید.

بهمان نسبت بایستی بشکل ظاهر جسمانی کودک نیز توجه کرد، او را تحت مواظبت و مراقبت قرار داد همچنانکه باغبانی لایق گیاه قشنگی را پرورش میدهد، اما برای انتخاب بذرخوب و برای اینکه آنرا در روح کاملاً ساده و بی تجربه کودک جای داده بتواند رشد و نمویش دهد بایستی خود مادر قبلاً آنرا دارا باشد. برای نشوونمای کامل بدن بایستی بتوان مواظبت هائی را که برای رشد کامل جسمانی موجود مناسب

اند تشخیص داد.

مگر نه اینست که زن تحصیل کرده با تقدم و تفضل بزنان جاهل و نادان باین ایده آل تربیتی بهتر جواب خواهد داد؟

تعلیم و تربیت بشر را از عالم حیوانی دور میسازد و هوش و فراست را اصلاح و تکمیل میکند قضاوت و فکر انتقاد را بیدار میسازد. تعلیم و تربیت است که وی را بشناختن افکار دقیق عقلانی که شخص را از قضاوت‌های بی‌مطالعه و اعمال و عادات موهوم دور میسازند سوق میدهد. چه بسا زنان نادانی که هنوز هم اطفال خود را بکمک روش‌های اولیه که غالباً خطرناک اند مواظبت می‌مایند!

تعلیم یافتن یعنی دیده جان را بدنمای زیبایی باز کردن و بتماشای پرده‌های رنگارنگ و استماع نغمه‌های عبرت خیز جاندار و بیجان خو گرفتن، یعنی درخود و دیگران ب جستجوی انعکاس حقایق بزرگ اخلاقی که در کتابها مکشوف است پرداختن، یعنی با درک حس لیاقت در مرد وزن و آزادی در خود و هم‌نوعان خود سخت پابند اجتماع بودن. چگونه ممکن است زن آلوده به‌رزالت اجتماعی و اخلاقی و فکری بتواند این حس لیاقت و مناعت و آزادی را در کودک ایجاد نماید؟ تاثیر مادر در کودک چنین است. اینجابه‌تر است سخنان نویسنده بزرگ فرانسوی را متذکر شویم که میگوید: هر لحظه در افکارم، در سخنانم، مادرم را درخود می‌یابم.

حال زن را از لحاظ وظیفه‌ای که در عالم ازدواج دارد در نظر می‌گیریم: آیا زن بایستی منحصرأ مادر بچه‌های مرد و خادمه خانه باشد؟ قبل از همه چیز وی شریک زندگی مرد است که در سرنوشت خوب و بد خود دست بدست وی راه زندگی را می‌پیماید. زن تحصیل‌کرده و دانسا برای مرد بهترین پشتیبان و کمک اخلاقی خواهد بود.

در بلایا و محن اوست که با کلمات تسلی بخش و سخنانی که روح را بعالمی بالاتر از ظواهر فریبنده ارتقاء میدهند مرد را قوت قلب و اضمینان خواهد داد با نصایح خود خواهد توانست او را هدایت و رهبری نماید. مگر هر دو در خانواده يك هدف مشترك ندارند؟

خستگی کار و غم‌واندوه همسرش را با سحر و افسون کلامش که میتواند باقتضای مقام و موقع پرشور و هیجان، معقول و مناسب و حتی عمیق و متفکرانه باشد رفع خواهد نمود. مگر توافق فکری و یارای قضاوت داشتن در باره نظم و نشر، علوم و فنون، افکار تازه و بالاخره درباره همه چیز اساس سعادت و شادیهای زندگی نیست، شادی

لذت بخشی که آنرا باهمسر خود درك توان كرد؟ زن تحصیل کرده میتواند محیط آرامی که برای هر کار فکری لازم و ضروری است ایجاد نماید .  
 زیرا وی ارزش سکوت و تفکر و تأمل را بخوبی میداند . بالاخره اوست که داخل خانه را باذوق و سلیقه منظم و مرتب خواهد کرد و برای تشکیل يك مجموعه هم-آهنگ و متناسب که در نظر هر بیننده‌ای خوش آیند باشد بک-وچکترین جزئیات ظاهر زیبایی خواهد بخشید .

حال زنان مجرد را در زندگی در نظر میگیریم: آیا ممکن است همگی ازدواج نمایند؟ بعضی برای خود همسر مناسبی نیافته‌اند و بعضی دیگر نمیخواهند ازدواج نمایند. اگر آنان را فاقد استطاعت مالی و بدون تعلیم و تربیت فرض نمائیم آیا برای همه آنان امکان دارد که بعنوان خدمتکار استخدام گردند؟ امروزه کارهایی که مخصوصا برای زنان مناسب است وجود دارد: پرستاری بنگاه‌های خیریه کودکانها و غیره ... چگونه و باچه بیانی میتوان وضع رقت بار زنانی را که با داشتن بار سنگین تربیت کودکان ناچارند تنها زندگی نمایند و یا آنانکه دیگر طرف توجه نیستند و مانند تخته پاره‌های درهم شکسته يك کشتی غریق بدون وسیله معاش و زندگی دستخوش امواج مشکلات و گرفتاریهای زندگی هستند توجیه و تشریح نمود؟

همان دلایل برفع تعلیم و تربیت برای این و آن هر دو صدق میکند حال کلیه زنان را از لحاظ اینکه موجوداتی متفکر و عاقل اند و حق دارند با استعداد هائی را که طبیعت مانند مردان بایشان نیز داده توسعه دهند تحت مطالعه قرار دهیم: طبق کدام قانون بایستی آنان را از تسلی ها و لذتهائی که يك زمان، يك شعرويك کلامه ساده پر-معنی در آنان ایجاد میکند و بآنان مجال میدهد لحظه‌ای چند فارغ از حقایق غالبا خشن و ناگوار زندگی از آرامش فکری و روحی برخوردار شوند و قادر بتقویت و تربیت فکر و روح خود گردند محروم ساخت؟.

مسلم است که کارهای خانه‌داری با طبیعت زن بیشتر و بهتر مناسب است تا طبیعت مرد. و باز اینجا ممکن است تجدیداتی قائل بود- و لکن میتوان کارهای خانه‌داری را با اشتغالات فکری سازش داد .